

فصلنامه کاتب، علمی - پژوهشی

سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

صص: ۱۴۸-۱۲۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

بررسی رویکرد سود انگاری مجازات در قوانین جزایی افغانستان

شفیقه رویش صافی

پوهنیار، عضو کدر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون بلخ و محصل مقطع ماستری جزا و جرم شناسی پوهنتون کاتب

چکیده

جزا یک نوع عکس العمل اجتماعی است که بعد از قطعیت حکم محکمه بالای مجرمین مسؤؤل تطبیق می گردد. هدف از تطبیق مجازات از یک طرف اصلاح و تربیه مجدد مجرمین و از طرف دیگر حمایت و دفاع جامعه می باشد. تطبیق مجازات باعث پند مجرمین و عبرت دیگران می گردد. از جانبی هم، مجازات ماهیتاً آزار دهنده بوده و باعث رنج و مشقت مجرم می شود و با ویژگی فطری انسان که همواره در صد جلب منفعت خویش است، مغایرت پیدا میکند. بنابراین، کسی که قصد ارتکاب عمل جرمی را دارد، بر اساس محاسبه نتایج حاصله از عمل مجرمانه اش، یعنی سود و زیانی که از ارتکاب آن عایدش می شود، ممکن دست به ارتکاب جرم بزند و خود را در معرض مجازات قرار دهد و یا از ارتکاب جرم صرف نظر کند. زیرا او مشقت، رنج مجازات را بیش از منفعت احتمالی حاصل از جرم ارزیابی کرده است. قابل تذکر است که از دیدگاه سود انگاری، مجازات دارای رویکردهای مشخصی می باشد که عبارت اند از: رویکرد بازدارندگی مجازات، رویکرد اصلاحی مجازات، رویکرد توان گیری مجازات و رویکرد مجازات مبنی بر جلب رضایت مجنی علیه، قربانی یا متضرر. که قوانین جزائی افغانستان نیز این تقسیمات را پذیرفته است. در تحقیق حاضر تحت عنوان «بررسی رویکرد سود انگاری مجازات در قوانین جزایی افغانستان» این مسئله در قوانین جزایی کشور مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد که آیا قانونگذار افغانستان هنگام جرم انگاری قوانین جزایی، رویکرد سود انگاری را در نظر گرفته است یا خیر.

واژه های کلیدی: مجازات، مجنی علیه، بازدارندگی، توان گیری، فایده گرایی.

مقدمه

در ادوار قدیم، تطبیق مجازات بالعموم یک رویکرد واحد را در بر داشت که عبارت از انتقام‌گیری بود و بس. با در نظر داشت همین رویکرد بود که در ادوار قبلی معمولاً جزاهای نهایت شدید و بی رحمانه بالای مجرمین تطبیق می‌گردید، زیرا در آن ادوار انتقام‌گیری به هر سوئی که شدید می‌بود، به همان اندازه موجب افتخار دانسته می‌شد، و بر عکس به هر پیمانانه‌ای که انتقام‌گیری شکل خفیف و ملایم می‌داشت، به همان اندازه به بی‌شهامتی و بی‌غیرتی انتقام‌گیرنده دلالت می‌نمود.

اما امروزه رویکرد عمومی از تطبیق مجازات، مبارزه علیه اعمال جرمی، اصلاح و تربیه مجدد مجرم، تأمین عدالت و حفظ نظم و امنیت در جامعه، حمایت از متضرر جرم و غیره است. اجرای مجازات در تاریخ بشری سابقه طولانی دارد. زیرا ابتدائی‌ترین جوامع نیز بدون داشتن حد اقل اصول و ضوابط حقوقی قادر به ادامه حیات و زندگی نبوده‌اند. زیرا ضمانت اجرای خسارت ناشی از پدیده جرمی ضروری شناخته شده است. چون ضمانت اجرای مدنی در حقوق خصوصی (جبران ضرر و زیان) به تنهایی، عموماً و معمولاً بدون تأثیر بوده است، لذا جامعه ناگزیر به تدابیری قهری متوسل شده است تا ضمن جبران نسبی صدمه وارده به متضرر، اجرای صحیح قانون، حفظ و صیانت جامعه تأمین شود. از جانی هم، انسان نسبت به حفظ حیات، آزادی، حیثیت آبرو و مال خود علاقمند است. بنابر این، تهدید به سلب احتمالی هر یک از این موارد، برای ذیحق‌نگران کننده و بیم‌آور بوده است که این خود وسیله‌ای است برای بازداشتن اشخاص از تعدی و تجاوز به حقوق دیگران و جامعه. پس تنها از طریق قانونگذاری (گنجاندن مجازات در قوانین جزایی) و تطبیق آن می‌توان از حقوق افراد (بخصوص متضرر) و نظم جامعه صیانت نمود.

قابل یادآوریست که مطالعه تاریخ حقوق نشان می‌دهد که اهداف مجازات در هر عصر و زمانی از دیدگاه دانشمندان و صاحب نظران، یکسان نبوده است. به طور کلی، اندیشمندان و طرفداران مکاتب جزایی حقوق جزا، در بیان اهداف مجازات، برخی سودمندی و فایده اجتماعی را مقصود نهایی مجازات دانسته‌اند. بعضی نیز جزا را به رویکرد سزا دادن عمل مجرمانه و تأمین عدالت جزایی و عده‌ای هم اصلاح اخلاقی مجرم را، رویکرد مجازات ذکر کرده‌اند.

اندیشمندان متأخر حقوق جزا نیز، رویکرد مجازات را دفاع جامعه در قبال حالت خطرناک مجرمان معرفی کرده‌اند؛ ولی با وجود این اختلاف عقاید و اندیشه‌های جزایی، هر یک از اهداف و اندیشه‌های جزایی فوق‌الذکر، با وجود محاسنی که دارد، مصئون از انتقادات نمی‌تواند باشد. با این همه عقل سلیم حکم می‌کند که، نهاد مجازات را واجد اهداف گوناگون بدانیم و در این رابطه مجازات را وسیله‌ای برای حفظ حقوق افراد و دفاع از ارزش‌های معتبر جامعه معرفی کنیم.

باید یاد آور شد که این تحقیق، با استفاده از کتب و اسناد تقنینی، از نوع کتابخانه ای تهیه گردیده و هدف اصلی آن، پاسخ به سوالات ذیل می باشد:

- چرا مجرم باید مجازات شود؟

- جامعه چه حقی برای مجازات اعضای خود دارد؟

- آیا مجازات توسط جامعه، جرم محسوب نمی شود؟

- واقعاً مبنای علمی مجازات چیست؟

- آیا قوانین جزایی افغانستان واقعاً با رویکرد سود انگاری تدوین شده است؟

برای پاسخ به این پرسش ها می توان به رویکرد سودنگاری که بیشتر مورد توجه در اعمال مجازات قرار گرفته (رویکرد بازدارندگی مجازات، رویکرد اصلاحی مجازات، رویکرد توان گیری مجازات و رویکرد مجازات مبنی بر جلب رضایت مجنی علیه، قربانی یا متضرر) اشاره کرد و به صورت مختصر هر کدام را مورد شناسایی قرار داد.

رویکرد سود انگاری مجازات

سود انگاری مجازات یکی از مهمترین رویکرد مجازات محسوب میشود. زیرا توده مردم، معیار تشخیص اعمال و رفتار خود را اعم از عادی و مجرمانه، بر پایه سود و زیانی محاسبه می کنند که در انجام دادن و ترک آن رفتار عاید شان میگردد. در ارتباط با مسئله جرم و مجرمیت نیز، تحمیل مجازات بر مجرم، نه تنها اشخاص افراد عادی را از ارتکاب جرم باز میدارد؛ بلکه باعث خوداری مجرم از ارتکاب جرم نیز میشود. همین امر باعث تأمین منافع عمومی خواهد شد و از طرف دیگر، عطف توجه زیاد به سود انگاری مجازات در طول تاریخ حقوق، برای برقراری و اعمال مجازات شدید و وحشتناک مانند: زنده سوزاندن، ریختن سرب مذاب بر سر و روی مجرمین و غیره، متداول بوده است. اما با پیدایش مکاتب جزایی، تأثیر اندیشه دانشمندان قرن (۱۸) از قبیل: بکاریا، ژان ژاک روسو، منتسکیو و بنتام، و انتشارات عقاید این دانشمندان و نهادی شدن مجازات در متون جزایی، استفاده از مجازات بدنی، وحشتناک و غیر اصولی متروک شده و مجازات با نظر داشت مفیدیت آن در قوانین جزایی کشورها پذیرفته شده است.

اما باید توجه داشت که رویکرد سود انگاری مجازات، به جهت نسبی بودن بازدارندگی آن در نزد اشخاص مختلف به ویژه جرم شناسان مانند: کین برگ سویدنی، گاروفالو ایتالیایی، توپینارد فرانسوی و غیره مورد انتقاد قرار گرفته است. با وجود این، رویکرد سود انگاری مجازات هنوز مورد توجه قانونگذار می باشد،

منتهی تحلیل ناشی از بازدارندگی مجازات، امروزه به نحوهٔ دیگر مورد توجه می باشد. بدین معنی، هرگاه مبنای خودداری تودهٔ مردم را از ارتکاب جرم، بر پایهٔ طرز تلقی و قضاوت متوسط افراد جامعه را نسبت به خوبی یا بدی رفتار عمومی جامعه در نظر بگیریم، در آن صورت، قضاوت عمومی رابطهٔ مستقیمی با سودمندی و جنبهٔ بازدارندگی مجازات پیدا میکند. همچنین، اعضای جامعه، نسبت به نهاد مجازات و مشروعیت آن اعتقاد پیدا خواهند کرد. مثلاً؛ اگر مردم یک جامعه، احتکار را عمل ناپسند و مضر برای جامعه بدانند، در نتیجهٔ مجازات شخص مبتکر یا تشدید آن، می تواند جنبهٔ بازدارندگی برای دیگران نیز داشته باشد. بدین ترتیب، هر اندازهٔ مجازات پیش بینی شده در قانون با ارزش های حاکم در جامعه و طرز تلقی مردم همگامی داشته باشد، به همان نسبت می توان به رویکرد سود انگاری مجازات امیدوار بود (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۰۵).

قابل ذکر است که از جملهٔ مکتبهای حقوق جزا، مکتبی که بیشتر از رویکرد سود انگاری مجازات پشتیبانی میکند عبارت از مکتب کلاسیک است که این مکتب به اندازهٔ به رویکرد سود انگاری مجازات ارزش قابل است که در این مورد یک وجیزه یا یک فورمول را بشکل ذیل طرح ریزی نموده است:

مجرمین باید مجازات شوند اما « نه بیش از آنچه مفید باشد» یعنی به عقیده مکتب کلاسیک اندازهٔ جزا باید به حدی باشد که برای مجرم و جامعه مفید واقع شود و به هیچ صورت در مجازات باید افراط و زیاده روی صورت نگیرد. بعداً در اوایل قرن نوزدهم نزد مکتب نیو کلاسیک این تشویش ایجاد شد که مبادا در عمل از فورمول مکتب کلاسیک سوء استفاده صورت گیرد و به بهانهٔ مفیدیت مجازات، یک نوع زیاده روی و بی عدالتی در تطبیق مجازات صورت گیرد، بناءً مکتب نیو کلاسیک در اخیر فورمول مکتب کلاسیک با علاوه نمودن این عبارت که « نه بیش از آنچه عادلانه باشد»، فورمول مذکور را تکمیل نمود که در نتیجه بعد از این تاریخ، راجع به رویکرد سود انگاری مجازات فورمول مکتب کلاسیک با فورمول مکتب نیو کلاسیک آمیخته گردیده، به شکل آتی در آمد: «مجرمین باید مجازات شوند اما نه بیش از آنچه مفید باشد و نه بیش از آنچه عادلانه باشد.» (دانش، ۱۳۹۶: ۳۶).

ناگفته نباید گذاشت که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از سود انگاری مجازات ویا حتی اهداف مجازات بصورت مشخص در یک ماده، تذکری به عمل نیامده است؛ اما خوشبختانه کود جزای افغانستان درین مورد بی توجه نبوده، بلکه اهداف مجازات را در مادهٔ ۱۳۴ آن تحت عنوان «اهداف جزاها» چنین بیان نموده است:

«اهداف جزاها عبارت اند از:

- (۱). تقبیح اعمال غیر قانونی.
 - (۲). رعایت احکام قوانین و تأمین عدالت.
 - (۳). بازداشتن محکوم و سایر اشخاص از ارتکاب جرایم.
 - (۴). همکاری در اصلاح، تربیت و ترویج حس مسئولیت پذیری مجرمین با روحیهٔ صادقانه به وظایف اجتماعی.
 - (۵). جبران آسیب های وارده به جامعه و قربانی.
 - (۶). جزا بخاطر ارتکاب جرم.
 - (۷). تضمین و رعایت حقوق اتباع و جامعه. «(کود جزا، ۱۳۹۶: ۱۳۴)
- یکی از مسائلی مهمی که در هر نظام جزایی دارای اهمیت و قابل بحث می باشد، اهداف مجازات است که اهداف مجازات در کود جزا در ماده ۱۳۴ در ۷ فقره گنجانیده شده است که در ذیل به هر کدام از آنها مختصراً اشاره می گردد:
- (۱). تقبیح اعمال غیر قانونی: به این معنی که با اعمال مجازات بر مرتکب، جامعه از طریق نظام جزایی کشور نفرت خود را از قانون شکنی اعلان کرده و مرتکب آنرا سرزنش و ملامت می کند.
 - (۲). رعایت احکام قوانین و تأمین عدالت: به این معنی که هنگامی تطبیق مجازات عادلانه است که در چارچوب قانون عادلانه اجرا شود.
 - (۳). بازداشتن محکوم و سایر اشخاص از ارتکاب جرایم: مطابق این نظریه اعمال مجازات، نقش بازدارندگی دارد و نسبت به مرتکب جرم و اراده وی اثر وارد کرده و او را از ارتکاب دوباره جرم باز می دارد (بازدارندگی خاص) و هم مرتکبین بالقوه را از اقدام جرم باز می دارد (بازدارندگی عام) طوریکه افلاطون در باره نقش و بازدارندگی عام مجازات می گوید: «باید عبرتی برای سایرین باشد با از بیم مجازاتی که شاهد اجرای آن نسبت به مجرم هستند، خود را اصلاح کنند و اگر مرتکب جرم هیچ سودی از رنج خود، به دلیل درمان ناپذیری، نمی برد حد اقل به دیگران، یعنی کسانی که آنها را به لحاظ جرایم ارتكابی در حال تحمل درد و رنج شدید می بینند، می رساند.» (ژان، ۱۳۸۱: ۲۱).

۴). همکاری در اصلاح، تربیت و ترویج حس مسئولیت پذیری مجرمین با روحیه صادقانه به وظایف اجتماعی: بطور کلی هدف اسلام از شریعت و ارسال پیامبران اصلاح و تزکیه نفس آنها است و در آیات متعددی این مقصد با تعبیر «یزکیهم» بیان شده است (شرح کود جزا، ۱۳۹۸: ۳۸۳).

لذا در این فرضیه اعمال مجازات وسیله ای برای تحول در رفتار و اصلاح مرتکبین خواهد بود و روش خوبی است برای بهبودی اخلاق مرتکب جرم و نجات دادن او از خواسته ها و عادات مجرمانه و قاعده شکن. طوریکه افلاطون در این مورد معتقد است که: «هرگاه مجازات، به منظور اصلاح مرتکب جرم اجرا شود، تضاد از بین می رود.» اصلاح مجرم که به امنیت اجتماعی منجر می شود، به اندازه ای اعتبار و اهمیت دارد که درد و رنج ناشی از مجازات را التیام ببخشد، زیرا شخص به جامعه برگشته و ارزش های قانونی جامعه را مراعات می کند.

۵). جبران آسیب های وارده به جامعه و قربانی: به این معنی که ارتکاب جرم باعث صدمه و ضرر به فرد مجرم و جامعه می گردد، لذا تعیین و تطبیق جزا بر مرتکب یکی از راه های جبران ضرر فردی و اجتماعی می باشد.

۶). جزا بخاطر ارتکاب جرم: در مورد فلسفه مجازات باید گفت که در ابتدا دو رویکرد آینده نگر یا غایت گرا و گذشته گرا یا واپس گرا مطرح می شود. در رویکرد غایت گرا مجازات به دلیل تأمین هدف آینده و نتایج سودمند آن توجیه می شود؛ در حالیکه رویکرد واپس گرا به خطایی که مجرم مرتکب شده است توجه دارد. هر یک از این دو رویکرد، مظاهر متفاوتی دارد. معروف ترین مظهر رویکرد گذشته نگر نظریه تلافی جویانه است که ایده اصلی آن به یک معنی توان جرم است؛ از جمله رویکرد آینده نگر، نظریه تقلیل جرایم، باز پروری، اصلاح و درمان مجرم است و کود جزای کشور ما هر دو رویکرد را مدنظر قرار داده است.

۷). تضمین و رعایت حقوق اتباع و جامعه: چون جرم علیه جان، مال، حیثیت، امنیت و نظم جامعه صورت می گیرد و برای حفظ این حقوق، جامعه علیه مرتکب باید واکنش از نوع مجازات یا تدابیر تأمینی داشته باشد، تا از تعدی بر این حقوق جلوگیری شود (شرح کود جزا، ۱۳۹۸: ۳۸۴).

رویکرد بازدارندگی مجازات

از قدیم الایام مجازات را بیشتر با این رویکرد اعمال مینمودند که بازدارنده است و این معنی را مورد نظر قرار می دادند که اعمال مجازات علیه مجرم، به مجرم درس عبرت خواهد آموخت که در صورت تکرار

جرم مجازات به شکل شدیدتر علیه او اعمال می شود و این پیام را به دیگران نیز میدهد که در صورت ارتکاب جرم مانند مجرم مورد مجازات قرار می گیرند (اکبری، ۱۳۹۶: ۵۹).

بازدارندگی که یکی از مهمترین رویکرد مجازات میباشد، به این معنی است که جزا باعث تنبیه یعنی پند و عبرت مجرم و دیگران میگردد. پس تنبیه به دو نوع است: تنبیه فردی «خاص» و تنبیه اجتماعی «عام».

مقصد از تنبیه فردی «خاص» آن است که خود محکوم علیه از تطبیق جزا پند و عبرت گرفته و از عمل یا اعمال جرمی قبلی خود نادم و پشیمان گشته و در آینده مرتکب اعمال شبیه نگردد.

مقصد از تنبیه اجتماعی «عام» این است که سایر افراد جامعه هم از تطبیق جزا بالای مجرم پند و عبرت گرفته و آنها می آموزند که اگر ایشان نیز مانند مجرم به اعمال و حرکات جرمی دست زنند، به عین عواقب مجرم مواجه خواهند شد. بناءً آنها نیز کوشش مینمایند که مرتکب اعمال جرمی نگردند (صفاری، ۱۳۹۲: ۵۹).

بتنام بر این عقیده بود که رنج و جزایی که مجرم تحمل می کند به هرکس این پیام را میدهد که اگر آن ها جرم را مرتکب شوند، همین رنج و مشقت در انتظار آنها است. پس تنبیه عمومی، رویکرد اصلی مجازات است و مطابق رویکرد بازدارندگی مجازات، جزا تنها برای اعمالی که در گذشته انجام یافته نبوده، بلکه برای آینده نیز است، زیرا اجرای آن هم موجب عبرت شخص مجازات دیده است و هم کسانی که شاهد اجرای مجازات هستند، می باشد.

در واقع مجازات، هم باعث تنبیه خاص و هم تنبیه عام می شود (اکبری، ۱۳۹۶: ۵۹).

به همه حال، چون یکی از شرایط لازم برای تحقق رویکرد بازدارندگی، شدت مجازات است، لذا دانشمندی که از رویکرد بازدارندگی مجازات بیشتر پشتیبانی مینمایند، طرفدار تطبیق جزاهای شدید بالای مجرمین میباشند، زیرا به عقیده آنها به هر اندازه ای که جزا شدید و وخیم باشد، به همان اندازه بیشتر باعث پند و عبرت خود مجرم و دیگران میگردد یعنی اینکه به عقیده این دانشمندان بین شدت مجازات و تأثیرات بازدارندگی آنها یک رابطه مستقیم وجود دارد. برخی از دانشمندان راجع به صحت این موضوع یعنی موجودیت یک رابطه مستقیم بین شدت مجازات و تأثیرات بازدارندگی آنها، شک و تردید دارند، چنانچه روی همین دلیل است که چهارمین کنگره دفاع اجتماعی در سال ۱۹۵۶ در شهر میلان ایتالیا فیصله نمود که در این مورد باید مطالعات و تحقیقات علمی دقیق صورت گیرد. به تاسی از این فیصله کنگره دفاع اجتماعی، در این مورد یک سلسله مطالعات و تحقیقات در ایالات متحده آمریکا، کانادا و فرانسه صورت گرفت، اما متأسفانه نتایج قاطع و مطلق از آنها در زمینه به دست نیامد. به هر صورت،

امروز بعضی از دانشمندان حقوق جزا را عقیده بر آن است که بین شدت مجازات و تأثیرات بازدارندگی مجازات یک رابطه مستقیم وجود ندارد، زیرا در عمل دیده میشود که به ارتباط تنبیه فردی، یک عده از مجرمین با وجودیکه شدیداً مجازات می شوند، اما از تطبیق مجازات پند لازم نگرفته، بلکه به مجرد ختم تطبیق مجازات دوباره مرتکب اعمال و حرکات جرمی میگرددند، در حالیکه برعکس، بعضی مجرمین دیگر از تطبیق جزاهای نهایت خفیف و ملایم به حدی تنبیه میشوند که بعد از ختم مجازات ابداً دوباره به اعمال جرمی مبادرت نمی ورزند.

به همین ترتیب در رابطه به تنبیه اجتماعی، بعضی افراد جامعه با وجودیکه تطبیق مجازات شدید را بالای مجرمین مشاهده مینمایند، اما از آنها عبرت نگرفته و خود آنها مرتکب عین اعمال جرمی میگرددند. چنانچه آرتور کوستلر در اوایل قرن ۲۰ در انگلستان یک تحقیق را که در مورد ۲۵۰ محکوم به جزای اعدام انجام داد، در نتیجه این تحقیق معلوم گردید که از جمله ۲۵۰ محکومین به اعدام ۱۷۰ تن آنها، یک یا دو بار جزای اعدام را در مورد سایر مجرمین مشاهده نموده بودند، اما ایشان از تطبیق این مجازات کوچکترین عبرت نگرفته بودند، تا اینکه خود آنها نیز به جزای اعدام محکوم شدند.

البته یکی از شرایط بازدارندگی بودن مجازات، حتمی بودن اجرای آن است، از همین جهت است که بکاربای ایتالیوی به ارتباط تأثیرات بازدارندگی مجازات و جلوگیری از وقوع جرایم عقیده دارد که نسبت به شدت و وخامت مجازات، به مراتب بهتر است تا واقعیت و حتمیت تطبیق مجازات در نظر گرفته شود، یعنی کوشش شود تا جزا واقعاً و حتماً بالای هر مجرم تطبیق شود و هیچ مجرم نتواند از تطبیق جزا شانه خالی کند. پس در این صورت ولو جزا معتدل و ملایم هم باشد، تأثیرات بازدارندگی آن بیشتر میباشد، زیرا هر شخص به خوبی درک کرده میتواند که هرگاه مرتکب جرم شود، حتماً مجازات خواهد شد. به این ترتیب از ترس مجازات حتمی، شخص مرتکب جرم نمی شود. به عقیده بکاربا اگر واقعیت و حتمیت مجازات در نظر گرفته نشود، یعنی مجازات بالای تمام مجرمین حتماً تطبیق نگردیده و بعضی مجرمین بتوانند به نحوی از انحاء از تطبیق مجازات شانه خالی نمایند، در این صورت جزاهای شدید نیز تأثیرات بازدارندگی لازم را نخواهد داشت و در نتیجه جلوگیری از وقوع جرم تحقق نخواهد یافت، زیرا بعضی اشخاص با این تصور و امیدواری که بعد از ارتکاب جرم خواهند توانست از تطبیق مجازات خود را رهایی بخشند، به ارتکاب جرم مبادرت خواهد ورزید. از جانبی هم، پرسونل کم، معاش ناکافی ارگان های عدلی و قضائی، نداشتن واحدهای کافی پولیس مخصوصاً پولیس سیار در شب و یا در مواقع خطر، همچنین نبود قضات کار آزموده و کافی جهت تسریع در رسیدگی و صدور حکم، وجود رشوه، اختلاس و فساد در

ارگانهای عدلی و قضائی و ادارات دولتی، همه از عوامل مخرب چنین حتمیتی است و نیاز به سرمایه گذاری طولانی مدت انسانی و مالی دارد تا مجازات بصورت حتمی اجراء گردد. گذشته از این، استفاده نادرست و سلیقه ای از نهادهایی مانند: عفو، رهائی مشروط و تعلیق تنفیذ مجازات می تواند حتمیت اجرای مجازات را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند (صفاری، ۱۳۹۲: ۲۴۰).

سرعت در اجرای جزا نیز، گرچه خود، مستقلاً از لوازم وجود یک نظام جزائی مفید است، اما می تواند به عنوان یک شرط مستقل برای تحقق حتمیت مجازات نیز خودنمایی کند. اجرای جزا اگر با سرعت نباشد و پس از فراموش شدن خود جرم، اجراء شود، طبعاً منطقی نبوده و بخصوص فاقد تأثیرات بازدارندگی اجتماعی خواهد بود.

شرط دیگر برای رسیدن به رویکرد بازدارندگی مجازات، عبارت از آگاهی یافتن همه افراد اجتماع از آن و نیز تبلیغ زیاد در مورد مجازات است. در غیر این صورت ترس مورد نظر که دارای حالت بازدارندگی باشد، ایجاد نخواهد شد اما از یک طرف، مطلع کردن همگان و تبلیغ در باره آثار سوء تطبیق مجازات، نه تنها آسان نیست بلکه عملاً محدود به انتشار قوانین در روزنامه رسمی و رسانه یی می باشد، از طرف دیگر، تبلیغ بیش از حد اجرای مجازات نیز می تواند از لحاظ روانی و تربیتی، برای اطفال، نوجوانان و امثال این ها مضر بوده، باعث بدنامی جامعه و نظام جزائی در سطح بین المللی شود (دانش، ۱۳۹۶: ۳۳).

از سویی هم کسانی که بیشتری از رویکرد اصلاحی مجازات پشتیبانی مینمایند، نیز طرفدار تطبیق جزاهای شدید در مورد مجرمین نمی باشند، زیرا به عقیده آنها به هر سویه ای که جزا شدید باشد، به همان پیمانانه اصلاح و تربیه مجرم را به مشکل و کندی مواجه می سازد. زیرا جزای شدید از یک طرف در مجرم بعضی عقده ها را ایجاد میکند که این عقده ها امکان دارد در آینده مجرم را دوباره به ارتکاب جرم سوق دهد و از طرف دیگر جزاهای شدید امکان دارد مجرم را به بعضی مریضی ها خاصاً مریضی های عقلی و دماغی مبتلا سازد و یا مریضی های قبلی وی را شدید نماید، که این مریضی ها، خود امکان دارد در آینده باعث ارتکاب جرایم جدید مجرم گردد. از جانبی دیگر، هرگاه مجرم و خانواده وی در تطبیق مجازات از طرف جامعه احساس بی عدالتی کند، مسلماً در صدد انتقام از جامعه برخواهد آمد و دست به اعمال خطرناک خواهد زد.

پس نتیجه می گیریم که امروزه تطبیق مجازات بر مبنای رویکرد بازدارندگی، طرفداران خود را از دست داده است و نمی توان صرفاً بر این مبنای مجرمین را مجازات نمود (اکبری، ۱۳۹۶: ۶۰).

از سویی دیگر، در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از این رویکرد مجازات تذکری به عمل نیامده است؛ اما با مطالعه آنها میتوان رویکرد بازدارندگی را بارها مشاهده نمود. طور مثال، مطابق به «قاعده ۲۵ نظامنامه جزای عمومی ۱۳۰۶ ماموریکه به مدت لا اقل دو سال محبوس شده باشد، از خدمت دولت طرد کرده می شود.» (نظامنامه جزای عمومی، ۱۳۰۶: ۲۵).

به این معنی که با طرد شدن مجرم از خدمت به دولت جنبه بازدارندگی اجتماعی مجازات نمایان می گردد.

قانون جزای سال ۱۳۵۵ و کود جزای سال ۱۳۹۶ نیز این رویکرد را در مجازات اصلی، تبعی و تکمیلی که در آنها جنبه بازدارندگی مطرح می باشد، مدنظر گرفته است. ولی با آن هم، کود جزا رویکرد بازدارندگی مجازات را مشخصاً در فقره ۳ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است: «بازداشتن محکوم و سایر اشخاص از ارتکاب جرایم.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

به این معنی که تطبیق مجازات باعث آن می شود که مرتکب از تحمل مجازات پند گرفته و دوباره مرتکب جرم نمی شود (باز دارندگی فردی) و از جانب دیگر، سایر افراد جامعه که انگیزه ارتکاب جرم نزد آنها موجود است، با مشاهده تحمل درد و رنج ناشی از تطبیق مجازات بالای مجرم، عبرت گرفته و سراغ ارتکاب جرم نمی رود.

رویکرد اصلاحی مجازات

اصلاح امروزه دارای معانی متعدد و وسیعی مانند: درمان، شفافادان، درمان دارویی، آموزش، اجتماعی کردن، به راه راست و صواب آوردن بکار رفته است. اصلاح، چه به مفهوم درمان دارویی یا چه به معنی آموزش یا باز اجتماعی فرهنگی و امثال اینها در ابتداء، شیوه ای پسندیده تر و در بسیاری موارد مناسب تر از تنبیه به نظر می رسد، زیرا برخلاف تنبیه که رویکردش مبارزه با معلول است، اصلاح با علت ارتکاب جرم در آمیخته و پدیده مجرمانه را از ریشه نابود می سازد. ساخت محابس جدید، اتخاذ روش های آموزشی و اصلاحی در محابس عوض روش بازدارندگی سابق، احداث مراکز، مدارس و کارگاه های صنعتی و کشاورزی، جزای بدیل حبس، تعلیق تنفیذ مجازات، رهایی مشروط، ایجاد تسهیلات برای محکومین و خانواده های آنها و غیره رویکرد اصلاحی را در مجازات دنبال می کنند (صفاری، ۱۳۹۲: ۲۴۶).

طوریکه می دانیم، مهمترین رویکرد مجازات، رویکرد اصلاح اخلاقی مجرم است. اندیشه اصلاح مجرمان از طریق اعمال مجازات، در قدیم الایام و قبل از ظهور دین مسیح، در آثار دانشمندان بی سابقه نیست.

چنانچه افلاطون نیز در نوشته های خود متوجه آن بوده است. در قرون وسطی بر اثر افکار مذهبی، رویکرد اصلاحی مجازات بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در قرن (۱۸)، پس از تأسیس محبس، برای نگهداری محکومین به حبس های دراز مدت، اندیشه اصلاح اخلاقی محبوس در زمان تحمیل جزای حبس در محبس قوت گرفت. با پیدایش مکتب تحقیقی و نظریات دانشمندان طرفداران این مکتب و به دنبال آن، نظریات مکتب دفاع اجتماعی نوین و لزوم تهیه دو سیه شخصیت مجرم، برای تعیین مجازات مناسب و اصلاح و تربیه مجرمین حین اجرای مجازات با توجه به مسئله اصلاحی و اخلاقی محکومین به مجازات حبس، وارد مرحله جدیدی شده است (ولیدی، ۱۳۸۲: ۴۰۵).

همچنان با پیدایش علم اداره زندان ها در قرون اخیر با رویکرد بهبود بخشیدن و وضع محابس و شناخت خصوصیات جسمی و روانی محبوسین و آموختن فن و حرفه به محبوسین، مطابق به استعداد و توانایی های آنها و فراهم کردن امکانات کار در محبس و خارج از آن، به منظور اصلاح اخلاقی محبوس و نقش غیر قابل انکار کار محبوس در آماده کردن او برای بازگشت وی به اجتماع و از سرگرفتن زندگی شرافتمندانه، از اهداف مجازات شناخته شده است.

بدین منظور و به ابتکار سازمان ملل متحد، برای اصلاح و تربیت مجرمین و جلوگیری از وقوع جرم، همه ساله کنگره های متعددی در یکی از کشور های عضو سازمان ملل متحد برپا می شود که هدف عمده تشکیل این کنگره ها و مجامع بین المللی، فراهم کردن زمینه اصلاح اخلاقی محکومین در ایام سپری جزا در محابس می باشد (دانش، ۱۳۹۶: ۳۳).

براساس این رویکرد، اعمال مجازات در جامعه بر مبنای اصلاح و تأمین «دفاع جامعه»، در مقابل خطراتی است که توسط مجرمین، دائماً جامعه را تهدید می کند. پیدایش مکتب تحقیقی و توجه بیش از حد به مجرم و شخصیت وی باعث شد که دفاع جامعه، بیش از حد مورد توجه قرار گیرد، طوریکه حالت خطرناک مجرمین و دفاع جامعه در مقابل تهدید مجرمین مورد مطالعه جدی جرم شناسی و حقوقی آن زمان قرار گرفت و باعث ایجاد مکتب تحقیقی شد. باگذشت زمان و نقد برخی از ادعاهای این مکتب، جنبش جدیدی به وجود آمد و مدعی شد که علت مجازات و مبنای آن باید اصلاح و تربیت مجرمین باشد. گراماتیکا و مارک آنسل از کسانی بودند که طرفدار این طرز تفکر بودند و با گسترش تفکرات خود، انقلابی را در حقوق جزا به وجود آورده و باعث تحول در مبنای مجازات شدند که امروزه این مبنا در اعمال مجازات بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته و باعث ایجاد تغییراتی در نظام جزایی و قانونی اکثر کشورهای جهان شده است (اکبری، ۱۳۹۶: ۶۰).

یعنی برخلاف ادوار گذشته که به اصلاح و تربیه مجدد مجرمین کوچکترین توجهی صورت نمی گرفت، در عصر حاضر اصلاح و تربیه مجدد مجرمین یکی از مهمترین اهداف مجازات را تشکیل میدهد. در واقع روی همین رویکرد اصلاحی است که امروز چه در وقت رسیدگی به قضایای جرمی و چه در هنگام تطبیق مجازات، شخصیت مجرمین در نظر گرفته میشود. به این معنی، که امروزه کوشش می شود تا از یک طرف حکم محکمه باید مطابق به وضع، حالت و شخصیت مجرم باشد و از طرف دیگر نحوه تطبیق مجازات نیز باید با شخصیت مجرم مطابقت داشته باشد. به اساس همین مفکوره اصلاح و تربیه مجدد مجرمین است که امروز بعضی ها عوض استعمال اصطلاح محبس و زندان استعمال اصطلاحات دیگری را که بیشتر جنبه اصلاحی داشته باشد، مانند: درمانگاه، ندامتگاه و غیره را ترجیح میدهند (سراج، ۱۳۹۷: ۵۱).

از سویی هم، بی آنکه ابزارهای مجازات را مورد ارزیابی قرار دهیم یا در دقت و صحت آنها برای اصلاح مجرم و جامعه جستجو کنیم، یادآور میشویم که اعمال مجازات در کلیه جوامع فعلی به نظر طرفداران آنها برای اصلاح و تربیه مجرم از سویی و اصلاح جامعه از سوی دیگر است، زیرا کوشش بر این است که مجرم با تحمل جزا، تأدیب و اصلاح شود و «باز اجتماعی شدن» او تسهیل گردد. این مسئله گرچه ممکن است در مورد برخی از مجازات مانند؛ اعدام در مورد مجرم ممکن نباشد، اما با توجه به اینکه امروز در اکثر نقاط جهان اغلب مجازات را حبس و جزای نقدی تشکیل میدهد و در اعمال این مجازات مسایل مختلف رعایت می شود، می توان گفت که مجازات به تربیت و اصلاح مجرم کمک می کند. همچنین وقتی جامعه با مجازات مجرم مواجه میگردد و به ارزیابی اعمال آنها می پردازد، این مسئله خود در اصلاح جامعه و شناخت کاستی های آن تأثیر می گذارد و به علاوه «پیشگیری از جرم» نسبت به مجرم به شکل خاص به پیشگیری از جرم در جامعه به شکل عام می انجامد. این دیدگاه، مجازات را لااقل از جهت نظری فاقد جنبه انتقامی می شناسد و به فایده اجتماعی آن توجه دارد، بی آنکه خصوصیات مجازات را نادیده بگیرد. به عبارت دیگر هر چند امروزه اصلاح و تربیت مجرم بیش از ارباب و طرد او مورد نظر است؛ اما با توجه به جوهر مجازات نمی توان صرفاً به اصلاح و تربیت و باز اجتماعی شدن مجرم بی توجه به ذات مجازات پرداخت (نوربها، ۱۳۹۱: ۳۵۵).

در اخیر قابل یا آوری است که در حال حاضر به جز از بعضی مجازات مانند؛ اعدام که طور استثنائی فاقد رویکرد اصلاحی میباشد، بالعموم سایر انواع مجازات رویکرد اصلاحی را تعقیب مینمایند (دانش، ۱۳۹۶: ۲۴).

ناگفته نباید گذاشت که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) در رابطه رویکرد اصلاحی مجازات، بصورت مشخص کدام ماده یا فقره خاصی وجود ندارد؛ اما با مطالعه مواد قوانین مذکور می توان رویکرد اصلاحی را بصورت واضح مشاهده نمود. طور مثال رویکرد اصلاحی در نظامنامه های جزای عمومی را میتوان در ذیل مطالعه نمود:

قاعده ۱۳۱ نظامنامه جزای عمومی ذکر «برای تریاکیان عملی (نصیحت موثره)» نشان می دهد که این قانون بیشتر دنبال اصلاح افراد بوده و با نصیحت مفیده می خواهد به این هدف نایل شود، فصل شانزدهم نظامنامه جزای عمومی «کسانیکه بازنگر بازی می کنند و یا مانند آن حرکات مخالف اخلاق و آداب عمومیه مینمایند.» در این فصل قانونگذار با تقبیح بازنگری و سایر حرکات مخالف اخلاق و آداب عمومی دنبال اصلاح افراد جامعه می باشد، فصل نهم نظامنامه جزای عمومی «کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرچی میکنند» برای جلوگیری از مردم آزاری و ولگردی، این اعمال را جرم انگاری نموده و برای مرتکب آن مجازات در نظر گرفته است تا از این طریق بتواند با مجازات کردن مرتکبین مرتکبین، آنها و سایر افراد جامعه را از ارتکاب آن منع نماید، باب سوم نظامنامه جزای عمومی در مورد «جرایم قباحتی» است که مجازات نمودن مرتکبین جرایم قباحتی در کل هدف اصلاحی مجازات را در بر می گیرد، قاعده ۳۲۰ نظامنامه «...فاعل جرم نامشروع را به نصایح مفیده منع کردن...» به این معنی که کسی را که جرم و عمل نامشروع را انجام می دهد، با نصایح مفیده آنرا منع کنید تا این کار باعث اصلاح اخلاق آنها شده و سراغ ارتکاب جرم نروند. این ها مواردی اند که رویکرد اصلاحی مجازات به و ضوح در آنها به م مشاهده می رسد.

مثال های رویکرد اصلاحی مجازات در قانون جزا:

رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد «فصل پنجم، باب اول» خود بیان این نکته است که مؤظف خدمات عامه باید در برابر افراد رویه نیک و پسندیده داشته باشد، در غیر آنصورت رویه سوء آنها با افراد جرم پنداشته شده و مجازاتی را در قبال دارد که این موضوع نمایانگر هدف اصلاحی مجازات می باشد. استعمال مواد مخدره و مسکره «فصل نوزدهم» چون استعمال مواد مخدره و مسکره عقل افراد را زایل می سازد و در زمان نشه خوب و بد را از هم تفکیک کرده نمی توانند و مرتکب اعمالی می شوند که هرگز ارتکاب آنرا نمی خواستند، لذا قانونگذار کشور ما این اعمال را جرم انگاری نموده و برای مرتکب آن مجازاتی را مدنظر قرار داده است که مجازات مرتکبین این اعمال نشان دهنده هدف اصلاحی مجازات می باشد، قمار بازی «فصل بیستم» جرم انگاری قمار بازی و مجازات نمودن قمار باز نیز بیانگر هدف اصلاحی مجازات می باشد، امتناع از معاونت «فصل بیست و یکم» و بی حرمتی اموات و قبور «فصل

بیست و نهم» این‌ها اعمالی هستند که ریشه در قواعد اخلاقی دارند و مرتکبین آنها نیز جهت اصلاح مجدد شان مجازات می‌شوند، زنا، لواط و هتک ناموس «فصل هشتم باب دوم» از جمله زشت‌ترین و ضد اخلاقی‌ترین اعمالی هستند که اخلاق یک جامعه را جریحه دار می‌سازند لذا جرم انگاری و مجازات نمودن مرتکبین این اعمال بصورت قطعی نمایانگر هدف اصلاحی مجازات می‌باشد، مجازات نمودن مرتکبین جرایم (تحریک به فسق و فجور «فصل نهم»، قذف «فصل دازدهم»، دشنام «فصل سیزدهم») نیز در کل جهت حفظ خیر و صلاح افراد جامعه صورت می‌گیرد، قانونگذار با مجازات نمودن مرتکبین قباحت «باب سوم» نیز توجه افراد جامعه را به رعایت قواعد اخلاقی جلب نموده است.

باید یاد آور شد که موارد متذکره با کمی تفاوت در کود جزا نیز گنجانیده شده است که نشان دهنده رویکرد اصلاحی می‌باشد. ولی موارد جدیدی هم که نمایان گر رویکرد اصلاحی می‌باشد نیز در کود جزا گنجانیده شده است. طور مثال، مجازات نمودن مرتکبین جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی «باب هشتم» که این عنوان در «فصل هشتم» نظامنامه جزای عمومی نیز موجود بود، به نحوی افراد جامعه و بخصوص مرتکبین این جرایم را به رعایت قواعد اخلاقی و اصلاح رفتار آنها مکلف می‌سازد. هدف قانونگذار کشور ما از مجازات مرتکبین سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی «فصل پنجم» نیز متوجه نمودن افراد جامعه به این نکته می‌باشد که این اعمال کلاً مخالف اخلاق جامعه ما بوده و اخلاق عمومی کشور ما را جریحه دار می‌سازد. لذا باید از آن اعمال دوری نموده و اخلاق عمومی را باید رعایت نموده و با آینده اطفال معصومی که آینده سازان کشور ما هستند بازی نکنند. هدف از مجازات نمودن مرتکبین آزار و اذیت زن و طفل در «فصل ششم» کود جزا نیز مانند موارد قبلی رسیدن به هدف اصلاحی مجازات می‌باشد.

بهر حال، رویکرد اصلاحی مجازات در فقره ۴ ماده ۱۳۴ کود جزا بصورت واضح چنین بیان شده است: «همکاری در اصلاح، تربیت و ترویج حس مسئولیت پذیری مجرمین با روحیه صادقانه به وظایف اجتماعی.» (قبلاً در این مورد توضیح داده شد) (کود جزا، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

مثال‌های رویکرد اصلاحی مجازات در قانون اجراءات جزائی:

هدف از بدیل حبس «فصل ششم» این قانون جلوگیری از تأثیرات سوء محیط محبس بالای محکومین می‌باشد زیرا تأثیرات سوء محیط محبس، بخصوص محابس عمومی یا دسته جمعی هدف اصلاحی مجازات را به کندی مواجه می‌سازد. لذا با تطبیق بدیل حبس قانونگذار ما خواسته است تا هر چه زودتر به اصلاح و تربیه مجدد مجرمین نایل آید. تأجیل تنفیذ حکم «فصل هفتم» که در بر گیرنده زن حامله، والدین دارنده طفل، به سبب مرض و کفالت بالمال می‌باشد، در این موارد قانونگذار کشور ما مشکل

مرتکب را درک کرده و از نوعی مرحمت کار گرفته و بطور غیر مستقیم میکوشد تا مرتکب متوجه ساخته و باعث اصلاح هر چه زودتر وی گردد. گنجائیدن رهایی مشروط در «فصل هشتم» این قانون بیانگر این موضوع است که هرگاه شخصی قبل از تکمیل معیاد حبس اصلاح شود، با شرایطی که در این قانون پیش بینی شده است بصورت مشروط رها می گردد و هرگاه در این مدت اگر مرتکب جرمی نکرده و یا مکلفیت های که از جانب محکمه، سارنوالی و یا پولیس متوجه وی می باشد را رعایت کند، بصورت مطلق رها می گردد. که این موضوع خود محکومین را به اصلاح رفتار تشویق نموده و هدف اصلاحی مجازات را دنبال می نماید.

تخفیف و عفو مجازات که در «فصل دهم» این قانون به آن اشاره شده است. عیناً مانند رهایی مشروط محکومین را به اصلاح اخلاق و رفتار تشویق نموده و هدف اصلاحی مجازات دنبال می کند. قانونگذار کشور ما با گنجائیدن اعاده حیثیت در «فصل سیزدهم» این قانون به این نکته اشاره نموده میکند که با اعاده حیثیت سابقه جرمی مجرم کاملاً پاک شده و مجرم نسبت به گذشته خود احساس حقارت و تفر نداشتن و خود را متفاوت از دیگران احساس نکند و دیگران هم وی را به دیده قدر و احترام بنگرند که این مسئله خود مرتکب را مکلف می سازد که متوجه اعمال و رفتار خود بوده و مرتکب عملی نگردد که دوباره از نظر افراد جامعه افتیده و متروک گردد. پس در اعاده حیثیت نیز هدف اصلاحی مجازات بصورت مطلق مد نظر می باشد.

رویکرد توان گیری (ناتوان سازی) مجازات

ناتوان سازی رویکردی است که در آن، از تکرار جرم توسط مرتکب، چه مؤقتاً چه دائماً، به وسیله جزاهایی که تحمیل می شود، جلوگیری به عمل می آید (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۱۷).

منظور از توانگیری آنست که امکان ارتکاب جرم از مجرم گرفته شود تا در آینده حتی اگر تصمیم به ارتکاب جرم بگیرد، توانایی انجام آنرا نداشته باشد هر چند ممکن است گفته شود که رویکرد «توان گیری» مجازات با رویکرد «ارعاب و بازدارندگی» مجازات یکسان خواهد بود؛ اما باید گفت که این دو رویکرد از هم متفاوت اند، چنانچه رویکرد «ارعاب و بازدارندگی» مجازات از طریق تطبیق مجازات شدید، بطور حتمی و قطعی به دست می آید؛ در حالیکه رویکرد «توان گیری» مجازات، تلاش میکند تا از هر طریق ممکن امکان توانایی و فرصت ارتکاب فعل مجرمانه از مرتکب گرفته شود. طور مثال؛ در توان گیری باور آنست که اگر مجرم برای مدتی روانه زندان گردد، یا تبعید شود، متجاوزان جنسی تحت درمان های هورمونی قرار گیرند و یا عقیم ساخته شوند، دست سارقین قطع شود و غیره، در تمامی حالات مذکور، امکان، توانایی و فرصت ارتکاب جرم از مرتکبین آن گرفته خواهد شد (تبسم، ۱۳۹۸: ۲۰۸).

چون یکی از ساده ترین و ابتدائی ترین رویکرد مجازات عبارت از سزادادن مجرم و سلب توان او برای ارتکاب جرم است. اما تصور می شود که در این رویکرد کمی مبالغه صورت گرفته است، زیرا جز در موارد بسیار نادر، مثل اعدام، هیچ جزایی نمی تواند مجرم را بطور مطلق از تکرار جرم، ناتوان سازد مگر اینکه بطور تخیلی قائل به برخی مجازات غیر معمول باشیم. مثل کور کردن کسی که چشم چرانی میکند. حتی زندان نیز نمی تواند بطور کامل، توان مرتکب را از ارتکاب جرم سلب نماید، زیرا محبوسینی هستند که نه تنها مرتکب جرایم علیه سایر محبوسین یا مؤظفین محبس می گردند، حتی بعد از خروج از محبس نیز به ارتکاب جرم ادامه می دهند. شاید گفته شود که با نگهداری چنین محبوس در سلول منزوی و با امنیت بالا می توان چنین احتمالات را شدیداً کاهش داد؛ ولی بر کسی پوشیده نیست که چنین رفتاری با محبوس، نه تنها در حال حاضر پسندیده نیست و حتی ممکن است مغایر موازین حقوق بشری قلمداد شود (صفاری، ۱۳۹۱: ۲۳۵).

قابل یاد آوریست که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از این رویکرد مجازات تذکری به عمل نیامده است؛ اما تطبیق حدود، بخصوص قطع دست در سرقت، قصاص و اعدام در نظامنامه جزای عمومی و اعدام در قانون جزا و کود جزا نشان دهنده رویکرد ناتوان سازی مجرم از تکرار جرم می باشد. همچنان کود جزای افغانستان رویکرد ناتوان سازی مجرم را بصورت مشخص در فقرة ۳ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است:

« بازداشتن محکوم ... از ارتکاب جرایم.» (کود جزا، ۱۳۹۶: ۱۳۴)

رویکرد مجازات مبنی بر جلب رضایت مجنی علیه، قربانی یا متضرر

تسکین خاطر مجنی علیه (یا بازماندگان وی یا متضررین) به این معناست که مجازات باید به منظور اقناع احساس رنجشی باشد که بطور طبیعی در قربانی یا بازماندگان وی ایجاد شده است. لذا برای تسکین درد و عقده مجنی علیه یا وابستگان وی «قصاص نفس و یا اعضا» به عنوان مجازات مورد تاکید ادیان آسمانی و اندیشمندان بوده است. وقتی که جزاء بر مجرم تطبیق میگردد، بدون شک مایوسیتی که برای مجنی علیه در اثر ارتکاب جرم پیش آمده، تا اندازه ای مرفوع میگردد و برایش خشنودی و آرامش روانی حاصل میشود. بدین ترتیب رضایت وی در برابر قانون و قضاء حاصل میگردد (تبسم، ۱۳۹۸: ۱۰۸).

ناگفته نباید گذاشت که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از این رویکرد مجازات بصورت مشخص تذکری به عمل نیامده است؛ اما از مطالعه مواد آنها می توان به

موجودیت رویکرد حمایتی از مجنی علیه به خوبی پی برد که در ذیل می توان به چند مثال از هر دو قوانین اشاره نمود:

مطابق به قاعده ۲۰۷ نظامنامه جزای عمومی مرتکبین جرایم فصل نهم «کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرچی می کنند» را علاوه بر حبس و جزای نقدی، مکلف به پرداخت «تاوان» دانسته است. در جرایم سرقت، ضرب و جرح، اتلاف اموال را مستلزم تاوان میدانند. همچنان مرتکب فرار زن و طفل را هم جهت حمایت از آنها قابل مجازات دانسته است (نظامنامه جزای عمومی، ۱۳۰۶: ۲۰۷).

هر چند قانون جزا و کود جزا هم موارد مذکور را با کمی تفاوت به عنوان رویکرد حمایتی از متضرر جرم، پذیرفته است، اما با آن هم، کود جزا بصورت واضح رویکرد حمایتی را در فقره ۵ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است: (جبران آسیب های وارده به جامعه و قربانی (کود جزا، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

به این معنی که ارتکاب جرم باعث صدمه و ضرر به فرد مجرم و جامعه می گردد، لذا تعیین و تطبیق جزا بر مرتکب یکی از راه های جبران ضرر فردی و اجتماعی می باشد.

باید علاوه نمود که قانون منع خشونت علیه زن، در کل با رویکرد حمایتی از زنان متضرر از جرم تدوین گردیده است.

نتیجه گیری

پس نتیجه می گیریم که امروزه تطبیق مجازات بر مبنای رویکرد بازدارندگی، طرفداران خود را از دست داده است و نمی توان صرفاً بر این مبنای مجرمین را مجازات نمود.

از سویی دیگر، در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از این رویکرد مجازات تذکری به عمل نیامده است؛ اما با مطالعه آنها میتوان رویکرد بازدارندگی را بارها مشاهده نمود. طور مثال، مطابق به «قاعده ۲۵ نظامنامه جزای عمومی ۱۳۰۶ ماموریکه به مدت لا اقل دو سال محبوس شده باشد، از خدمت دولت طرد کرده می شود.» قانون جزای سال ۱۳۵۵ و کود جزای سال ۱۳۹۶ نیز این رویکرد را در مجازات اصلی، تبعی و تکمیلی که در آنها جنبه بازدارندگی بیشتر مطرح می باشد، مدنظر گرفته است. ولی با آن هم، کود جزا رویکرد بازدارندگی مجازات را مشخصاً در فقره ۳ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است: «بازداشتن محکوم و سایر اشخاص از ارتکاب جرایم.»

البته، در حال حاضر به جز از بعضی مجازات مثلاً اعدام که طور استثنائی فاقد رویکرد اصلاحی می‌باشد، بالعموم سایر انواع مجازات رویکرد اصلاحی را تعقیب مینمایند. طوری که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) در رابطه رویکرد اصلاحی مجازات، بصورت مشخص کدام ماده یا فقره خاصی وجود ندارد؛ اما با مطالعه مواد قوانین مذکور می توان رویکرد اصلاحی را بصورت واضح مشاهده نمود. طور مثال رویکرد اصلاحی در نظامنامه های جزای عمومی را میتوان در ذیل مطالعه نمود:

قاعده ۱۳۱ نظامنامه جزای عمومی ذکر «برای تریاکیان عملی (نصیحت موثره)»، فصل شانزدهم نظامنامه جزای عمومی «کسانیکه بازنگر بازی می کنند و یا مانند آن حرکات مخالف اخلاق و آداب عمومیه مینمایند»، فصل هشتم نظامنامه جزای عمومی «قمار بازها»، فصل نهم نظامنامه جزای عمومی «کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرچی میکنند»، باب سوم نظامنامه جزای عمومی «جرایم قباحتی»، قاعده ۳۲۰ نظامنامه «...فاعل جرم نامشروع را به نصایح مفیده منع کردن...» و امثال آنها مواردی اند که رویکرد اصلاحی وضوح در آنها به مشاهده می رسد.

مثال های رویکرد اصلاحی در قانون جزا: جرم انگاری، رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد «فصل پنجم، باب اول»، استعمال مواد مخدره و مسکره «فصل نوزدهم»، قمار بازی «فصل بیستم»، امتناع از معاونت «فصل بیست و یکم»، بی حرمتی اموات و قبور «فصل بیست و نهم»، زنا، لواط و هتک ناموس «فصل هشتم باب دوم»، تحریک به فسق و فجور «فصل نهم»، قذف «فصل دازدهم»، دشنام «فصل سیزدهم»، قباحت «باب سوم»، تعلیق تنفیذ حکم «فصل هشتم»، عفو عمومی و خصوصی، اعاده حیثیت و تأجیل تنفیذ حکم ... ناگفته نباید گذاشت که موارد متذکره با کمی تفاوت در کود جزا نیز گنجانیده شده است، ولی موارد جدیدی هم که نمایان گر رویکرد اصلاحی میباشد نیز در کود جزا اضافه گردیده است. طور مثال، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی «باب هشتم» که این عنوان در فصل هشتم نظامنامه جزای عمومی نیز موجود بود، سوق دادن طفل به انحرافات اخلاقی «فصل پنجم»، آزار و اذیت زن و طفل «فصل ششم»...

با آنها، رویکرد اصلاحی مجازات در فقره ۴ ماده ۱۳۴ کود جزا بصورت واضح چنین بیان شده است: «همکاری در اصلاح، تربیت و ترویج حس مسؤولیت پذیری مجرمین با روحیه صادقانه به وظایف اجتماعی».

قابل یاد آوریست که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از رویکرد توانگیری مجازات تذکری به عمل نیامده است؛ اما تطبیق حدود، بخصوص قطع دست در سرقت، قصاص

و اعدام در نظامنامه جزای عمومی و اعدام در قانون جزا و کود جزا نشان دهنده رویکرد ناتوان سازی مجرم از تکرار جرم می باشد. همچنان کود جزای افغانستان رویکرد ناتوان سازی مجرم را بصورت مشخص در فقره ۳ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است: «بازداشتن محکوم و... از ارتکاب جرایم.»

ناگفته نباید گذاشت که در قوانین جزایی افغانستان (نظامنامه های جزای عمومی و قانون جزا) از این رویکرد مجازات بصورت مشخص تذکری به عمل نیامده است؛ اما از مطالعه مواد آنها می توان به موجودیت رویکرد حمایتی از مجنی علیه به خوبی پی برد که در ذیل می توان به چند مثال از هر دو قوانین اشاره نمود:

مطابق به قاعده ۲۰۷ نظامنامه جزای عمومی مرتکبین جرایم فصل نهم «کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرچی می کنند»

را علاوه بر حبس و جزای نقدی، مکلف به پرداخت «تاوان» دانسته است. در جرایم سرقت، ضرب و جرح، اتلاف اموال را مستلزم تاوان میدانند. همچنان مرتکب فرار زن و طفل را هم جهت حمایت از آنها قابل مجازات دانسته است. هر چند قانون جزا و کود جزا هم موارد مذکور را با کمی تفاوت به عنوان رویکرد حمایتی از متضرر جرم، پذیرفته است، اما با آن هم، کود جزا بصورت واضح رویکرد حمایتی را در فقره ۵ ماده ۱۳۴ چنین بیان نموده است: «جبران آسیب های وارده به جامعه و قربانی.»

باید علاوه نمود که قانون منع خشونت علیه زن، در کل با رویکرد حمایتی از زنان متضرر از جرم تدوین گردیده است.

منابع و مأخذ

اول) کتب

- ۱- اکبری، روح الله (۱۳۹۶ش). جزاشناسی، کابل، انتشارات مقصودی.
- ۲- بنیاد آسیا (۱۳۹۸ش). شرح کود جزا، جلد اول (کتاب اول احکام عمومی)، کابل، بنیاد آسیا.
- ۳- تبسم، ادريس (۱۳۹۸ش). حقوق جزای عمومی (۱-۲) بارویکرد بر حقوق افغانستان در مطابقت با کود جزای جدید، کابل، انتشارات نویسا.
- ۴- دانش، حفیظ الله (۱۳۹۶ش). جزاشناسی، کابل، انتشارات مستقبل.

- ۵- (۱۳۹۳ش). حقوق جزای عمومی، جلد (اول)، کابل، انتشارات سیرت.
- ۶- ستانکزی، نصرالله (۱۳۹۳ش). مبادی حقوق، کابل، انتشارات سیرت.
- ۷- سراج، قطب العارفين (۱۳۹۷ش). مبادی حقوق (بارویکرد به حقوق اسلام و قوانین افغانستان)، کابل، کانون علمی و فرهنگی مولوی سراج الدین شهید.
- ۸- صفاری، علی (۱۳۹۲ش). کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۹- (۱۳۹۲ش). مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی، تهران، انتشارات جنگل.
- ۱۰- صلاحی، جاوید (۱۳۵۳ش). کیفر شناسی، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- ۱۱- طاهری نسب، سید زیدالله (۱۳۸۱ش). تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، تهران، انتشارات دانشور.
- ۱۲- نذیر، داد محمد (۱۳۹۳ش). حقوق جزای عمومی، جلد (اول)، کابل، انتشارات حامد رسالت.
- ۱۳- (۱۳۹۳ش). حقوق جزای عمومی، جلد (دوم)، کابل، انتشارات حامد رسالت .
- ۱۴- نوربها، رضا (۱۳۹۱ش). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ۱۵- ولیدی، صالح محمد (۱۳۸۵ش). حقوق جزای عمومی، جلد (اول)، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۶- (۱۳۸۲ش). بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات خورشید،

دوم) قوانین

- ۱۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (۱۳۸۲ش). جریده رسمی. ۸۱۸. مطبعه دولتی.
- ۱۸- قانون اجراءات جزائی (۱۳۹۳ش). جریده رسمی. ۱۱۳۲. مطبعه دولتی.
- ۱۹- قانون جزا (۱۳۵۵ش). جریده رسمی. ۳۴۷. مطبعه دولتی.
- ۲۰- کود جزا (۱۳۹۶ش). جریده رسمی. ۱۲۶۹۰. مطبعه دولتی
- ۲۱- نظامنامه جزای عمومی (۱۳۰۲ش). مطبع دائره تحریرات مجلس عالی وزرا.
- ۲۲- نظامنامه جزای عمومی (۱۳۰۶ش). مطبع دائره تحریرات مجلس عالی وزرا.